

The Legal Status of Crime-Derived Property in Iran's Criminal Justice System (Dos and Don'ts)

1. Naghmeh Makhdoom Mosafer: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran
2. Asghar Abbasi*: Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. Email: drabbasi191@gmail.com (Corresponding Author)
3. Mehdi Esmaeili: Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Ali Mansour Lakourge: Assistant Professor, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran

ABSTRACT

The present article examines the legal status of property derived from criminal activity within Iran's criminal justice system, with an emphasis on the normative "dos and don'ts." Crime-derived property plays a crucial role in reflecting the implementation of justice and in providing restitution to victims. This paper initially explores the legal concept and categories of crime-derived property. It then analyzes the relevant laws and regulations governing such property in Iran. Assets and items that fall under one of the categories or instances stipulated in Article 215 of the Islamic Penal Code and Article 148 of the Criminal Procedure Code, or in certain special penal laws—such as the note appended to Article 3 of the amended Anti-Money Laundering Act of 2018—are closely linked to the commission of a crime and have consistently posed a serious challenge for judicial authorities, including both prosecution offices and courts. The legal "dos" include recognizing the positive effects of eliminating crime-derived assets on society and the importance of protecting the rights of the parties involved in cases pertaining to such property. Conversely, the legal "don'ts" focus on issues arising from the mismanagement of crime-derived property and the negative consequences of retaining such property. Finally, the article discusses practical solutions and recommendations aimed at improving the legal status of crime-derived assets in Iran's criminal justice framework. It emphasizes the importance of effectively implementing legal provisions and the proposed solutions for optimizing the management of crime-derived property, thereby underscoring their relevance to Iran's legal community.

Keywords: *Iran's criminal justice system, victim restitution, Islamic Penal Code, management optimization.*

How to cite: Makhdoom Mosafer, N., Abbasi, A., Esmaeili, M., & Mansour Lakourge, A. (2025). The Relationship Between Protective Hijab and Islamic Citizenship Rights with Reference to the Constitution. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 172-183.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 January 2025
Revise Date: 12 March 2025
Accept Date: 20 March 2025
Publish Date: 27 September 2025



وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

۱. نغمه مخدوم مسافر: دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
۲. اصغر عباسی*: استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. پست الکترونیک: drabbasi191@gmail.com
(نویسنده مسئول)

۳. مهدی اسماعیلی: استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. علی منصور لکوریج: استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

چکیده

مقاله حاضر به بررسی وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران با تأکید بر بایدها و نبایدها می‌پردازد. اموال حاصل از جرم نقش مهمی در انعکاس اجرای عدالت و تأمین خسارت به قربانیان دارند. این نوشتار ابتدا به مفهوم حقوقی اموال حاصل از جرم و انواع آن می‌پردازد. سپس قوانین و مقررات مربوط به اموال حاصل از جرم در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرند. اموال و اشیایی که تحت یکی از عناوین و مصادیق پیش‌بینی شده در ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری یا در برخی از قوانین جزایی خاص نظیر تبصره ذیل ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی سال ۱۳۹۷ در ارتباط و پیوند با ارتکاب جرم می‌باشند، پیوسته یکی از چالش‌های جدی مراجع قضایی اعم از دسرا و دادگاه می‌باشند. بایدهای حقوقی از جمله تأثیرات مثبت حذف اموال حاصل از جرم بر جامعه و اهمیت حفظ حقوق طرفین در پرونده‌های مربوط به اموال حاصل از جرم مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین، نبایدهای حقوقی از جمله مشکلات ناشی از عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم و تأثیرات منفی حفظ اموال مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت، ارائه راهکارها و پیشنهادات برای بهبود وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران مورد بحث واقع می‌شود. این مقاله به منظور افزایش آگاهی و شناخت بیشتر درباره این موضوع، اهمیت اجرای مناسب قوانین و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود و بهینه‌سازی مدیریت اموال حاصل از جرم را بر جامعه حقوقی ایران تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: نظام کیفری ایران، تأمین خسارت، قانون مجازات اسلامی، بهینه‌سازی مدیریت

نحوه استناددهی: مخدوم مسافر، نغمه، عباسی، اصغر، اسماعیلی، مهدی، و منصور لکوریج، علی. (۱۴۰۴). وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها). پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۱۷۲-۱۸۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۵ مهر ۱۴۰۴

وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

مقدمه

در نظام کیفری ایران، مسأله اموال حاصل از جرم یکیز موضوعات بحرانی است که تأثیر گسترده‌ای بر اجرای عدالت و حف حقوق طرفین دارد. حقوق اموال حاصل از جرم در حقوق کیفری ایران دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا به رفع خسارات جامعه و قربانیان جرم کمک می‌کند و در عین حال، اجرای صحیح و عادلانه قوانین کیفری را تضمین می‌کند.

در این مقاله، نگاهی دقیق به وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران با تأکید بر بایدها و نبایدها خواهیم داشت. در این راستا، ابتدا به تعریف و انواع اموال حاصل از جرم پرداخته و سپس به بررسی قانونی این موضوع در ایران خواهیم پرداخت.

بررسی و آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. به علت محدودیت منابع مالی دولت، اهمیت این موضوع بیشتر مشخص می‌شود. بررسی وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم به دلیل تأثیر بزرگی که این اموال بر اجرای عدالت و رفع خسارات قربانیان جرم دارند، اهمیت زیادی دارد. اموال حاصل از جرم می‌توانند به عنوان جبران خسارت‌ها به قربانیان، اعتباردهی به نظام کیفری و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و انتقال بهبودهای درآمدی به جامعه مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، بررسی دقیق و وسیع این موضوع به همراه شناخت نقاط قوت و ضعف در قوانین و مقررات مربوطه می‌تواند منجر به بهبود عملکرد نظام کیفری شود. علاوه بر این، آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری می‌تواند به شناخت بهتر تأثیرات این اموال بر جامعه و حقوق طرفین کمک کند. این تحلیل می‌تواند به شناسایی بایدها و نبایدهای حقوقی، ارائه راهکارها و پیشنهادات بهبودی و تدوین سیاست‌های کاملتر و کارآمدتر برای مدیریت اموال حاصل از جرم کمک کند. بنابراین، بررسی و آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند به بهبود عملکرد و کارایی این نظام کمک کند.

در ادامه، بایدها و اثرات مثبت حقوقی حذف اموال حاصل از جرم بر جامعه و اهمیت حفظ حقوق طرفین در پرونده‌های مربوط به اموال حاصل از جرم مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین، نبایدها و مشکلات ناشی از نقص و عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در پایان، با ارائه راهکارها و پیشنهادات برای بهبود وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم، سعی خواهیم کرد تا مسیری برای اصلاحات و بهبود لازم در این زمینه ارائه کنیم. امید است که این مقاله به شناخت بهتر و بهبود نظام کیفری ایران کمک نماید.

مبانی نظری تحقیق

اموال موضوع جرم

رکن مادی در هر جرم متشکل از عناصر عینی است که با جمع شدن آن‌ها جرم را تشکیل می‌دهند. یکی از این عناصر موضوع جرم است. هیچ جرمی رخ نمی‌دهد مگر اینکه موضوعی وجود داشته باشد که رفتار مجرمانه بر آن انجام شده باشد. موضوع از جرمی به جرم دیگر متفاوت است. در جرایم علیه مال و مالکیت موضوع جرم، اموال و حقوق مالی اشخاص است. ملک مفهومی نسبی و الزامات متفاوتی دارد. مثلاً مال غیر منقول موضوع سرقت نیست و مال منقول موضوع تصرف غیرقانونی نیست. در مثالی دیگر می‌توان گفت که مالکیت معنوی اگرچه در مالکیت آن تردیدی نیست، اما مشمول مقررات کیفری نشده است، بنابراین جسد شخص نیز موضوع جرایم علیه مال نیست.

یکی از اجزای رکن مادی جرم موضوع جرم است، صدور رفتار مجرمانه بر موضوع یا موضوعات خاص که تحت حمایت قانونگذار است از انواع واجزای اساسی و اجتناب ناپذیر رکن مادی جرایم تلقی میشود. اصولاً جرم فاقد موضوع وجود ندارد و موضوع در واقع همان مصلحت و منفعتی است که مورد حمایت قانونگذار بوده و مقنن تعرض یا نادیده انگاشتن آن را ممنوع اعلام کرده است (Najafi, 2019).

هر جرمی دارای موضوع مخصوصی است. جرایم بر اساس موضوع تقسیم بندی میشود جرایم علیه اموال از جمله این تقسیم‌بندی‌ها (Aghaeinia & Rostami, 2019).

موضوع آن چیزی است که رفتار مرتکب بر آن واقع می‌شود (Aghaeinia & Rostami, 2019). به بیان دیگر موضوع هر جرمی، همان است که رفتار مرتکب بر آن انجام میشود یعنی هر چیزی که موضوع رفتار مرتکب باشد، فی الواقع موضوع جرم میباشد. از اینرو تعریفی که موضوع جرم را هر چیزی میدانند که مرتکب قصد تحصیل آن را دارد (Zara'at, 2013) فاقد جامعیت لازم در تعریف موضوع جرم است. اشیاء موضوع جرم به اشیایی اطلاق میشود که جرم بر روی آن‌ها ارتکاب میابد مانند طلایی که برای ساخت سکه‌های تقلبی مورد استفاده قرار گرفته و یا کالایی که به صورت قاچاق وارد کشور شده است. بعلاوه اشیایی که تصرف و حمل و نگهداری آن‌ها ممنوع و واجد وصف کیفری است مانند اسلحه غیر مجاز یا مواد مخدر را نیز میتوان اشیاء موضوع جرم قلمداد کرد (Dalir, 2011).

مال موضوع جرم با مال حاصل از جرم متفاوت است. در فرضی که شخصی مال خاصی را بدون رعایت مقررات قانونی وارد کشور میکند و عمل وی قاچاق کالا محسوب میشود، حال اگر این شخص اموال مزبور را به دیگری منتقل کند نمیتوان گفت عمل وی پول شویی است زیرا وی مال موضوع قاچاق را انتقال داده است نه مال ناشی از جرم را. به بیان دیگر اموال مزبور را قبل از قاچاق بدست آورده بود و اموال مذکور را از قاچاق تحصیل نکرده است. اما چنانچه او اموال حاصل از فروش مالای قاچاق را در ساختمان سازی استفاده کند نظر به اینکه فروش کالای قاچاق جرم محسوب میشود و اموال حاصل از آن اموال ناشی از جرم محسوب می‌شود عمل وی مصداق پولشویی است (Siah Bidi Kermanshahi & Sales Moayed, 2017).

تعریف اموال حاصل از جرم

اموال حاصل از جرم به اموالی گفته می‌شود که به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم از عملکرد جرم یا فعالیت‌های غیرقانونی به دست آمده‌اند. این اموال می‌توانند شامل دارایی‌های مالی، اموال حرکتی و ثابت، درآمدهای غیرمشروع و سایر دارایی‌های قابل انتقال به دیگران باشند. یکی از مصادیق اموال و اشیاء مرتبط با جرم که تنوع و گوناگونی زیادی هم دارد اموال حاصل از جرم است. در مادتين ۲۱۴ و ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی به ترتیب با عبارت (مالی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل شده) و (مال از جرم تحصیل شده) این مصداق از اموال مرتبط با جرم پیش بینی شده است. ناگفته نماند مالی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل می‌شود به مراتب فراتر از مال موضوع جرم است. مال یا وجه حاصل از قمار، سکه‌های تقلبی و سکه‌های مخدوش ناشی از جرم ساختن سکه‌های تقلبی و جرم تخدیش سکه، مشروبات الکلی و مواد مخدر ناشی از جرایم قاچاق نمونه‌های روشنی از اموال تحصیل شده از جرم میباشد. بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با پول شویی اصلاحی سال ۱۳۹۷، در قلم رو جرم پول شویی مال حاصل از جرم را تعریف کرده است. بدلالت بند پ ماده اخیرالذکر، هر مالی که بطور غیر مستقیم یا مستقیم از جرم منشأ بدست آید از قبیل مالی که از جرایم اقتصادی و جرم تأمین مالی تروریسم حاصل میشود، مال حاصل از جرم گفته میشود. در ادامه این بند از ماده ۱ قانون مورد نظر مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب جرم اختصاص داده شده است در حکم مال بدست آمده از جرم تلقی میشود. منظور از اموال حاصل از جرم یا اموال ناشی از جرم اموالی است که از طریق ارتکاب جرم تحصیل شده است (Dalir, 2011).

وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

(2011) و به تعبیر پروفیسورگارو حاصل و محصول جرم میباشد (Douglas et al., 2006) پولی که شاهد در ازای شهادت کذب دریافت میکند یا کارمند دولت در جرم ارتشاء تصاحب میکند، نمونه روشن مال حاصل از جرم می باشد. فارغ از تعریف قانونگذار در ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی که مال حاصل از جرم را به صورت محدود در قلمرو جرم پولشویی تعریف کرده است، در سایر موارد مال حاصل از جرم فقط به مالی اطلاق می شود که بطور مستقیم از جرم حاصل می شود. به بیان دیگر باید بین جرم ارتكابی و مال تحصیل شده پیوند و رابطه مستقیم وجود داشته باشد، بنابراین اگر کسی اتومبیل دیگری را سرقت کند و از طریق مسافر کشی با آن اتومبیل درآمدی کسب کند، کرایه و درآمد کسب شده مال ناشی از جرم محسوب نمی شود (Dalir, 2011).

اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

در نظام کیفری ایران، قوانینی وجود دارند که به تنظیم امور مربوط به اموال حاصل از جرم می پردازند. قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگری مانند قانون تهیه و نگهداری اسلحه و مهمات جنگی از جمله قوانین مرتبط با این موضوع هستند. در نظام کیفری ایران، مسأله اموال حاصل از جرم یکی از موضوعات حیاتی است که تأثیرات عمده ای بر اجرای عدالت و حفظ حقوق طرفین دارد. بررسی وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم، نه تنها به رفع خسارات جامعه و قربانیان جرم کمک می کند، بلکه اجرای صحیح و عادلانه قوانین کیفری را نیز تضمین می کند.

بایدها و نبایدها در اموال حاصل از جرم:

بایدها:

۱. حفظ حقوق طرفین: تصرف در اموال حاصل از جرم باید با رعایت حقوق طرفین انجام شود.
۲. بازگرداندن به قربانیان: در صورت امکان، اموال حاصل از جرم باید به قربانیان جرم بازگردانده شود.
۳. کاهش جرم: از طریق حذف اموال حاصل از جرم، می توان به کاهش جرم ها و افزایش امنیت جامعه کمک کرد.

نبایدها:

۱. سوءاستفاده و سوءتصرف: استفاده نادرست از اموال حاصل از جرم برای منافع شخصی یا گروه

تحلیل اموال مرتبط با جرم در پرتو گونه ها و نظریات جرم شناسی

همانطور که قانونگذار در ماده ۶۵۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ مقرر کرده است، اقدام به سرقت تعزیری در مواد ۶۵۱ تا ۶۵۴ همان قانون مجازات معینی دارد. همچنین بر اساس ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شخصی که در حالی که ارتکاب جرم اصلی مورد نظر متوقف شده است، با عملی خارج از اراده خود مبادرت به ارتکاب جرم کند و عمداً آن را ترک ننماید. به نظر می رسد قانونگذار با تصویب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تلویحاً ماده ۶۵۵ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ را نسخ کرده و نسبت به کلیه امور مربوط به تعزیه ملاک اقدام به ارتکاب جرم سرقت قرار داده است. زیر سرقت در این میان، جرم غیرممکن نیز در ماده ۱۲۲ قانون مذکور دارای آثار تلاش به ارتکاب تلقی می شود که با در نظر گرفتن اصطلاح «فرض قانونی» به همراه جرم غیرقانونی توضیح آن سخت است در عمل نیز مواردی در دادرسی وجود دارد که به آسانی قابل تطبیق با مواد فوق نیست که منجر به قرائت ها و تفسیرهای متعدد قضات و نیز ارجاع به عناوین کیفری مرتبط می شود.

جرائم مرتبط با اموال و جرائم اقتصادی طیف وسیعی از جرائم از جمله کلاهبرداری و تقلب مالی، پولشویی، فساد اداری، جرائم مالکیت معنوی و جرائم زیست محیطی را شامل می شود. تحقیقات جنایی که در درجه اول با برخی از انواع دیگر جرم مانند قاچاق مواد مخدر،

فعالیت‌های تروریستی یا قاچاق انسان مقابله می‌کند، معمولاً شامل جرایم اقتصادی مانند پولشویی نیز می‌شود. قانونگذار هر کشور، نیز بنا به نیازهای جامعه و شدت قبح و زشتی اعمال و رفتار، از منظر تابعان حقوق کیفری خود، دست به قانونگذاری و وضع جرم و مجازات آن می‌زند. به عبارت دیگر جرائم اقتصادی در ترمنولوژی حقوق اقتصادی هر کشوری معنا می‌یابد (Pica, 2011).

از دیدگاه تئوری و ایده آل، جرم به طور کلی به آن دسته از سوء رفتاری گفته می‌شود که آنقدر جدی و نامطلوب است که تحقیق و اقدام تنبیهی علیه آن از نظر دولت موجه در نظر گرفته شود، خواه این اقدام توسط خود دولت، انجام گیرد یا طی اقدام جداگانه‌ای توسط قربانی یا هرطرف دیگر که به طور مستقیم تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. در این دیدگاه اگرچه روابط بین جرم و جنایت، تعهدات اخلاقی و حقوقی و انواع مختلف تعهدات قانونی، می‌تواند پیچیده باشد، اما از آنجا که هدف نهائی، رعایت انصاف است عواقب آن تماماً و به طور گسترده به مرتکبان آن، یعنی افراد، اشخاص شرکت‌ها و دولت، اعمال خواهد شد. توصیف جرم اقتصادی، در نظام‌های مختلف اقتصادی، همچون مفهوم جرم، پیچیده و مفهومی متفاوت دارد و بعضاً "نویسندگان علت عدم دخول در این مقوله را، دشواری تعیین وسعت کلی این پدیده، عدم وجود مفهومی روشن و پذیرفته شده از این جرایم و این حقیقت می‌دانند که روش‌ها برای ثبت این جرایم از کشوری به کشور دیگر به شدت فرق می‌کند. به ویژه آنکه با توسعه اقتصادی در جهان و ظهور جرایم اقتصادی جدید در این حوزه شاهد هنجارها و معیارهای نامشخص، متعارض و قابل تغییر هم هستیم. به عبارت دیگر ویژگی اصلی جرایم اقتصادی تغییرات سریعی است که در آن صورت می‌گیرد. چرا که فناوری‌های اطلاعاتی و پیشرفت و تحول فزاینده علوم جدید در دنیای صنعتی و تجاری، نه تنها ظهور اشکال جدید جرم اقتصادی (تخلفات اطلاعات، جرایم زیست محیطی و اشتغال و تقلب شرکت‌ها و...) را در پی داشته، بلکه مفهوم و مصادیق آن را هم متأثر و موسع ساخته است. بطوری که بعد از گذشت چنددهه از پیدایش و ورود آن در صحنه بین الملل و به دنیای علوم کیفری کشورها، تاکنون یک جامعیت در تعریف و مصادیق آن در سطح بین الملل وجود ندارد. موضوع جرم اقتصادی در ابتدا بر مبنای جرایم بازرگانی و تجاری شکل گرفت و مرز دقیقی بین مفهوم دو دسته از جرایم «جرایم اقتصادی» و «جرایم مالی» وجود نداشت. از این رو برخی از نویسندگان جرم اقتصادی و تجاری را یکی دانسته یا حداقل با اندکی اغماض یکی می‌دانند و آن را شامل یک سلسله اعمال غیرقانونی که در امر تجارت به خاطر به دست آوردن منافع اقتصادی ارتکاب می‌یابد تعریف می‌نمایند. یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، ارتشاء و رانت خواری (Raees Dana, 2004).

به طور کلی جرم شناسان به تحقیق و بررسی، توسعه نظریه‌ها و تحلیل الگوهای تجربی می‌پردازند. علایق جرم شناسان شامل مطالعه ماهیت جرم و مجرمان، خاستگاه حقوق جزا، علت شناسی جرم، واکنش اجتماعی به جرم و عملکرد سازمان‌های مجری قانون و نهادهای کیفری است. لذا می‌توان گفت که جرم شناسی تحقیقات خود را در سه محور هدایت می‌کند: اول، ماهیت حقوق جزا و نحوه اجرای آن و شرایطی که تحت آن توسعه می‌یابد، بررسی می‌کند. دوم، علت وقوع جرم و شخصیت مجرمان را تحلیل می‌کند. و سوم، کنترل جرم و بازپروری مجرمان را مطالعه می‌کند. بنابراین جرم شناسی شامل فعالیت‌های نهادهای قانون گذاری، نهادهای مجری قانون، نهادهای قضایی، نهادهای اصلاح و تربیت و سازمان‌های اجتماعی آموزشی، خصوصی و دولتی می‌شود. به طور کلی به نظر می‌رسد که جرم انگاری رفتارهای علیه جرم در حوزه مال و مالکیت، از منظر فلسفه حقوق جزا، بیشتر در پرتو «اصل ضرر به دیگری» توجیه می‌شود (Douglas et al., 2006). اصل ضرر به عنوان یکی از اصول محدودکننده آزادی، توجیه مناسبی برای جرم انگاری رفتارهای مضر ارائه می‌کند. بر اساس این اصل، اعمال افراد تا زمانی که به دیگران آسیب نرساند، نباید جرم انگاری و مجازات شوند. دولت نمی‌تواند شهروندان را از انجام کاری بر خلاف میل و رضایت

وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

آن‌ها مجبور یا منع کند و تنها زمانی از چنین حقی برخوردار است که این امکان وجود داشته باشد که افراد عمداً حقوق و منافع دیگران را زیر پا بگذارند و به نحوی به دیگران آسیب برسانند. از این منظر، جرایم علیه اموال و مالکیت در حوزه مداخلات مجرمانه قرار می‌گیرد؛ اما قبح اخلاقی این اعمال منکر نشده و تأثیری در جرم انگاری آن‌ها ندارد. در این نگرش، تعرض به حقوق و اموال مالی افراد را می‌توان به حمله به بدن فیزیکی آن‌ها تشبیه کرد. زیرا در هر دو صورت حریم خصوصی وی نقض شده است، با این تفاوت که جامعه نیز از وقوع جرایم علیه اموال متضرر می‌شود، جرایم علیه اموال در حوزه اقتصادی مؤثر است. گسترش جرایم مالی پایه‌های اقتصادی جامعه را متزلزل می‌کند، آسیب فقط متوجه فرد نمی‌شود، بلکه برای جامعه نیز خسارت وارد می‌شود زیرا منابع و هزینه‌های هنگفتی صرف پیشگیری از وقوع جرایم علیه اموال و تعقیب و دستگیری مجرمان علیه اموال و اموال می‌شود.

اهمیت بررسی و آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران

بررسی و آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. به علت محدودیت منابع مالی دولت، اهمیت این موضوع بیشتر مشخص می‌شود. بررسی وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم به دلیل تأثیر بزرگی که این اموال بر اجرای عدالت و رفع خسارات قربانیان جرم دارند، اهمیت زیادی دارد.

اموال حاصل از جرم می‌توانند به عنوان جبران خسارت‌ها به قربانیان، اعتباردهی به نظام کیفری و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و انتقال بهبودهای درآمدی به جامعه مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، بررسی دقیق و وسیع این موضوع به همراه شناخت نقاط قوت و ضعف در قوانین و مقررات مربوطه می‌تواند منجر به بهبود عملکرد نظام کیفری شود.

علاوه بر این، آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری می‌تواند به شناخت بهتر تأثیرات این اموال بر جامعه و حقوق طرفین کمک کند. این تحلیل می‌تواند به شناسایی بایدها و نبایدهای حقوقی، ارائه راهکارها و پیشنهادات بهبودی و تدوین سیاست‌های کاملتر و کارآمدتر برای مدیریت اموال حاصل از جرم کمک کند.

بنابراین، بررسی و آنالیز وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند به بهبود عملکرد و کارایی این نظام کمک کند.

بایدهای حقوقی از جمله تأثیرات مثبت حذف اموال حاصل از جرم بر جامعه و اهمیت حفظ حقوق طرفین

تأثیرات مثبت حذف اموال حاصل از جرم بر جامعه:

حفظ نظم و امنیت اجتماعی، با حذف اموال حاصل از جرم، امکان ترویج نظم و امنیت در جامعه تقویت می‌شود. پیشگیری از جرم؛ با کاهش منابع مالی مرتبط با جرم، احتمال جرم‌ها و فعالیت‌های غیرقانونی کاهش می‌یابد. همچنین ایجاد اعتماد عمومی؛ اقداماتی که به حذف اموال حاصل از جرم منجر می‌شود، باعث ایجاد اعتماد عمومی به نظام قانونی و دولت می‌شود.

اهمیت حفظ حقوق طرفین:

حقوق قربانیان؛ حذف اموال حاصل از جرم به این معنی است که قربانیان جرم‌ها به طور منصفانه جبران خسارت می‌شوند و حقوق آن‌ها حفظ می‌شود. نیز حقوق متهمان؛ اهمیت حفظ حقوق طرفین شامل حفظ حقوق متهمان نیز است، به منظور اطمینان از رعایت استانداردهای عدالت و انصاف در مراحل قضایی.

بنابراین، حذف اموال حاصل از جرم به عنوان یکی از بایدهای حقوقی در نظام کیفری، تأثیرات مثبت و اهمیت زیادی در جامعه و بر حفظ حقوق طرفین دارد. این اقدامات نه تنها به تقویت امنیت و عدالت در جامعه کمک می‌کنند بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌کنند.

نبایدهای حقوقی از جمله مشکلات ناشی از عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم و تأثیرات منفی حفظ اموال

نبایدهای حقوقی و مشکلات ناشی از عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم:

۱. عدم رعایت حقوق طرفین: عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم می‌تواند منجر به نقض حقوق طرفین مختلف از جمله قربانیان جرم، متهمین و دیگر افراد مرتبط شود که ممکن است باعث ایجاد تنش‌ها و اختلافات حقوقی شود.
 ۲. افزایش فساد: عدم مدیریت مناسب ممکن است در بروز فساد و سوءاستفاده از اموال حاصل از جرم توسط افراد نامعتبر وجود داشته باشد که این امر باعث افزایش ناامنی و عدم اعتماد به سیستم قضایی می‌شود.
 ۳. ضرر به اموال: عدم حفاظت صحیح و مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم ممکن است باعث از دست رفتن این اموال یا خسارت به آن‌ها شود که این امر منجر به افزایش هزینه‌ها و تضرر جبران ناپذیری برای طرفین مرتبط خواهد شد.
 ۴. عدم شفافیت: عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم می‌تواند باعث کاهش شفافیت در فرآیند مدیریت این اموال شود و احتمال ایجاد ابهامات و مشکلات قانونی بیشتر را افزایش دهد.
 ۵. تأخیرها و دست و پاگیری‌ها: عدم مدیریت مناسب ممکن است باعث تأخیر در بازگرداندن اموال به صاحبان مشروع، دست و پاگیری‌ها و افزایش مشکلات در فرآیند قضایی شود که باعث ناراحتی و نارضایتی طرفین مرتبط خواهد شد.
 ۶. نقض قوانین: عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم می‌تواند به نقض قوانین و مقررات مربوط به این امور منجر شود که باعث بروز اختلافات قانونی خواهد شد.
- به طور کلی، عدم مدیریت مناسب اموال حاصل از جرم می‌تواند منجر به مشکلات حقوقی جدی، تأثیرات منفی بر جامعه و منزوی‌سازی نظام قضایی شود. از این رو، اهمیت ایجاد یک سیستم مدیریت موثر و شفاف برای اموال حاصل از جرم بسیار اهمیت دارد.

نتیجه‌گیری

در نظام کیفری ایران، وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم دارای اهمیت ویژه‌ای است که باید به نبایدهای مشخصی را دربرمی‌گیرد. از طرفی، نبایدهای مرتبط با اموال حاصل از جرم شامل حفظ حقوق طرفین، بازگرداندن به قربانیان و کاهش جرم است. این امور در جهت اجرای عادلانه و اثربخش قوانین کیفری و حفظ منافع جامعه تأثیرگذار است.

از سوی دیگر، نبایدهای مرتبط با اموال حاصل از جرم شامل سوءاستفاده و سوءتصرف از این اموال است. استفاده نادرست از اموال حاصل از جرم می‌تواند به ضرر قربانیان و افزایش جرم‌ها منجر شود و منافع عمومی را به خطر بیندازد.

بنابراین، تأکید بر رعایت نبایدها و پیشگیری از نبایدها در تعامل با اموال حاصل از جرم، اهمیت بالایی دارد. اجرای صحیح قوانین مربوط به این حوزه، بهبود عدالت و امنیت جامعه را تضمین می‌کند و نقش اساسی در پیشگیری از جرم‌ها و حفظ حقوق طرفین دارد.

به طور کلی، به حفظ حقوق طرفین، اجرای عادلانه قوانین کیفری، و کاهش جرم‌ها از طریق مدیریت صحیح اموال حاصل از جرم باید توجه ویژه‌ای شود تا امنیت و عدالت در جامعه تقویت شود.

راهکار برای بهبود وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران

وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

۱. تقویت قوانین و مقررات:

- به روزرسانی و تقویت قوانین مربوط به اموال حاصل از جرم به منظور رفع نواقص و ابهامات و تضمین حقوق طرفین به صورت شفاف و مشخص.

- ایجاد مقررات جدید برای مدیریت اموال حاصل از جرم و تعیین رویه‌های دقیق برای حذف و بازگرداندن این اموال.

۲. تقویت سیستم نظارت و پایش:

- تقویت نظارت بر اموال حاصل از جرم و ارائه گزارش‌های منظم در خصوص وضعیت این اموال به نظام قضایی.

- ایجاد سیستم‌های پایش و کنترل بهبودی برای جلوگیری از سوءاستفاده و سوءتصرف از اموال حاصل از جرم.

۳. تقویت همکاری بین نهادها:

- بهبود همکاری و هماهنگی بین نهادهای مختلف مسئول به منظور مدیریت بهتر اموال حاصل از جرم و اجرای بهینه قوانین.

- ارتقاء تعامل بین دستگاه قضایی، انتظامی و اداری جهت بهبود وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم.

۴. آموزش و اطلاع‌رسانی:

- آموزش به عنوان ابزار اصلی برای آگاهی‌بخشی به مردم و نهادهای مربوط به حقوق و تعهدات مرتبط با اموال حاصل از جرم.

- ارائه اطلاعات مناسب و قابل فهم به افراد در خصوص حقوق و تعهدات مرتبط با اموال حاصل از جرم.

۵. استفاده از فناوری:

- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای ثبت و پایش اموال حاصل از جرم و ارتقاء شفافیت در این فرآیند.

- استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و اینترنتی برای افزایش کارایی و سرعت در اجرای قوانین مربوط به اموال حاصل از جرم.

با پیاده‌سازی این راهکارها و توجه به مسائل مرتبط، وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران می‌تواند بهبود یابد و حقوق طرفین حفظ شود.

پیشنهادهای:

یکی از پیشنهادات برای بهبود وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران می‌تواند شامل ایجاد یک سازمان مستقل و واحد برای مدیریت اموال حاصل از جرم باشد. این سازمان باید مسئولیت جمع‌آوری، مدیریت، حفاظت، فروش و تخصیص اموال حاصل از جرم را بر عهده داشته باشد.

مزایای ایجاد یک سازمان مستقل برای مدیریت اموال حاصل از جرم:

۱. تخصص بالاتر: این سازمان می‌تواند دارای تخصص بالاتر در زمینه مدیریت اموال حاصل از جرم باشد و بهبود کارایی و کیفیت خدمات مرتبط با این اموال داشته باشد.

۲. شفافیت بیشتر: سازمان مستقل می‌تواند بهبود شفافیت در مدیریت اموال حاصل از جرم و ارتقاء اعتماد عمومی به نظام قضایی و انتظامی منجر شود.

۳. حفاظت از اموال: این سازمان می‌تواند به صورت حرفه‌ای از حفاظت و نگهداری اموال حاصل از جرم برای جلوگیری از دست رفتن یا سوءاستفاده از آن‌ها بهره‌برداری کند.

۴. کاهش احتمال فساد: با ایجاد سازمانی مستقل و متخصص در این زمینه، احتمال فساد و سوءاستفاده از اموال حاصل از جرم کاهش یافته و کنترل بیشتری بر روی این فرآیند اعمال خواهد شد.

۵. بهره‌وری بالاتر: با ایجاد یک سازمان مستقل، بهره‌وری در مدیریت اموال حاصل از جرم افزایش می‌یابد و فرصت‌های بهتری برای استفاده بهینه از این اموال به وجود می‌آید.

با پیاده‌سازی یک سازمان مستقل و واحد برای مدیریت اموال حاصل از جرم، وضعیت حقوقی این اموال در نظام کیفری ایران می‌تواند بهبود یابد و این اموال با رعایت حقوق طرفین مدیریت شوند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The legal treatment of crime-derived property in Iran's criminal justice system represents a complex intersection of criminological theory, penal code interpretation, and sociopolitical realities surrounding the restitution of victims and enforcement of justice. The foundational principle underpinning the legal status of such property rests on its inherent linkage to criminal behavior, either directly or indirectly. The material element (*actus reus*) of crime necessitates the existence of a subject upon which the offense is enacted; this object varies across different offenses but, in crimes against property, it manifests as tangible or intangible financial assets (Aghaeinia & Rostami, 2019; Najafi, 2019). Such objects of crime—including illegal weapons, narcotics, or counterfeit currency—are distinct from crime-derived property, which consists of proceeds obtained through illicit acts such as fraud, bribery, and money laundering. Indeed, while smuggled goods constitute the subject of crime, the revenue from selling such goods constitutes crime-derived property (Dalir, 2011; Zara'at, 2013). This conceptual differentiation is vital in legal discourse as it determines whether the law treats an asset as evidence, subject matter, or proceeds of a crime. The significance of this differentiation is further supported by provisions in Article 215 of the Islamic Penal Code and Article 148 of the Criminal Procedure Code, where the legislature has delineated property obtained through crime, thus institutionalizing its legal treatment.

Crime-derived property, in this context, is defined not merely as an item linked to a crime but as an asset resulting from criminal activity. Iranian statutes, especially the amended Anti-Money Laundering Act of 2018, provide a detailed scope: property directly or indirectly acquired from criminal acts, such as financial crimes or the financing of terrorism, is legally categorized as crime-derived (Dalir, 2011). This approach mirrors the perspective of scholars like Professor Garraud, who posits that such property is the materialization of the crime itself (Douglas et al., 2006). The

وضعیت حقوقی اموال حاصل از جرم در نظام کیفری ایران (بایدها و نبایدها)

distinction here becomes pivotal for judicial processes: for example, if someone illegally imports merchandise and sells it, the proceeds from the sale—not the merchandise itself—are deemed crime-derived and thus fall under anti-money laundering scrutiny. The implications of this definition ripple throughout judicial systems, requiring courts to determine not only the criminal liability of individuals but also the legal trajectory of the assets in question. Failure to identify crime-derived assets appropriately can undermine both the objective of victim compensation and the broader goal of deterring financial crimes.

From a normative standpoint, the handling of crime-derived property must align with several legal "dos" to ensure social justice, legal equity, and efficient administration. Chief among these is the return of such assets to rightful owners or victims. In doing so, the criminal justice system not only corrects material imbalances but also reaffirms its commitment to restorative justice. Moreover, the proper disposal of crime-derived property can serve as a deterrent against future crimes by signaling the state's capacity to enforce financial accountability. Eliminating illegal wealth accumulation undermines the incentive structures for crimes like corruption, fraud, and drug trafficking. Additionally, legal safeguards must be observed to protect the rights of all parties, including both victims and accused individuals. Upholding these rights requires strict procedural adherence to legal norms and thorough judicial scrutiny. Failure to comply with these standards risks violating individual liberties, undermining public confidence in the legal system, and potentially resulting in wrongful deprivation of property. Hence, a fair legal process surrounding the confiscation, management, and redistribution of crime-derived property is indispensable in fostering a credible and effective justice system (Douglas et al., 2006).

Conversely, the mismanagement of crime-derived property introduces an array of "don'ts" that jeopardize the integrity of the judicial process. Unclear legal frameworks and bureaucratic inertia often result in the improper handling of such assets, giving rise to corruption, asset misappropriation, and legal ambiguity. One major issue is the prolonged retention of confiscated assets, which often leads to depreciation, loss, or illegal utilization. Another risk lies in the violation of due process, whereby accused individuals may have their assets seized prior to a conclusive judicial ruling, infringing on the presumption of innocence. Moreover, the absence of a centralized and transparent asset management system exacerbates inconsistencies across judicial and administrative bodies. These problems not only hinder victim compensation but also erode trust in judicial institutions. In some cases, the lack of coordination between enforcement and judicial entities results in prolonged litigation and delayed restitution. Additionally, poor record-keeping and inadequate technological infrastructure further complicate the identification and tracking of crime-derived property. Therefore, systemic reforms aimed at procedural transparency, technological enhancement, and inter-institutional coordination are essential to rectify these legal and administrative deficiencies.

The criminological dimension of crime-derived property management brings additional insight into the nature and impact of financial crimes. Criminology views such assets not merely as legal issues but as socio-economic phenomena with far-reaching implications. Economic crimes—ranging from embezzlement and fraud to environmental offenses—often blur the lines between individual misconduct and systemic exploitation (Pica, 2011; Raees Dana, 2004). These crimes challenge traditional penal categories and demand flexible, adaptive legal responses. They are particularly insidious due to their capacity to infiltrate public institutions, distort markets, and undermine democratic processes. Criminologists have emphasized the evolving nature of such offenses, particularly in the context of globalization and technological advancement, which facilitate

transnational crime and complicate enforcement. For instance, digital currencies, shell companies, and offshore banking have enabled sophisticated laundering of crime-derived property, necessitating a reevaluation of existing legal tools. Furthermore, from a philosophical standpoint, the criminalization of acts leading to economic harm aligns with the harm principle, which holds that state intervention is justified when individual actions cause significant damage to others (Douglas et al., 2006). Thus, the seizure and redistribution of crime-derived property represent a concrete embodiment of this ethical and legal principle, reinforcing the normative authority of criminal justice systems.

To improve the status quo, legal scholars and practitioners advocate for a set of reforms that address structural deficiencies and enhance procedural efficiency. First, legislative refinement is imperative: the laws must clearly differentiate between objects of crime, tools of crime, and proceeds of crime, offering unambiguous guidelines for asset forfeiture and restitution. Second, a centralized agency responsible for managing seized assets could significantly increase operational efficiency and reduce corruption. This body should possess both legal authority and technical capacity to store, liquidate, or return assets in a timely and transparent manner. Third, leveraging technology—such as blockchain systems for asset registration—can improve traceability and transparency. Fourth, public awareness campaigns and legal training programs should be implemented to inform citizens and professionals alike about their rights and responsibilities regarding crime-derived property. Fifth, international cooperation is crucial, especially in addressing crimes that transcend borders and involve foreign jurisdictions. Collaborative legal frameworks and mutual legal assistance treaties can facilitate asset recovery in cross-border cases and harmonize enforcement standards. Ultimately, such reforms must be rooted in a commitment to legal equity, institutional accountability, and public interest, ensuring that the handling of crime-derived property supports—not hinders—the goals of justice and security.

References

- Aghaeinia, & Rostami, H. (2019). *Crimes Against Property and Ownership*. Mizan Publishing.
- Dalir, H. (2011). *Confiscation Law*. Mizan Publishing.
- Douglas, J. E., Allen, G. B., & Robert, K. R. (2006). *Crime Classification Manual*. Wiley.
- Najafi, S. (2019). Criminal Analysis of Asset Seizure and Confiscation in Iran's Islamic Penal Code. *Scientific-Legal Quarterly Journal*(10 SER - 3rd Series).
- Pica, G. (2011). *Criminology*.
- Raees Dana, F. (2004). *Summary of Discussions on Financial-Economic Crimes*. Agah Publications.
- Siah Bidi Kermanshahi, S., & Sales Moayed, A. A. (2017). *Economic Criminal Law: Money Laundering*. Mizan Publishing.
- Zara'at, A. (2013). *Brief Commentary on the Islamic Penal Code*. Ghoghnoos Publishing.